

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۲۰

نقد تطبیقی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در خصوص بکارگیری سلاح هسته‌ای از منظر آموزه‌های اسلام و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

۱۰۷

دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی

سید احسان رفیعی علوی و همکار
نقد تطبیقی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در خصوص بکارگیری سلاح هسته‌ای از منظر آموزه‌های اسلام و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

سید احسان رفیعی علوی^{۱*}

امیر قائدی^۲

۱- دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی^۱، تهران، ایران.

۲- کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه علامه طباطبائی^۲، تهران، ایران.

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری در پاسخ به سؤال مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص استفاده از سلاح هسته‌ای حکم به ممنوعیت مطلق نمی‌دهد. این نوشتار در پی آن است که ممنوعیت مطلق به‌کارگیری این سلاح را با استفاده از حقوق بشر دوستانه و آموزه‌های اسلام احراز نماید. اصول حاکم بر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی آموزه‌های حقوقی اخلاقی قابل اعمال در منازعات بین‌المللی از منظر اسلام همه در پی نهی این شیطان بزرگ از صحنه بشریت هستند. در این میان اسلام بیش از همه با این بلای بزرگ مخالف است و حذف این پدیده شوم از جهان را می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: سلاح هسته‌ای، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دوستانه، دیوان بین‌المللی دادگستری، آموزه‌های حقوق اسلام.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بند ن‌هایی قطع‌نامه ۷۵/۴۹ خود تصمیم می‌گیرد در خصوص استفاده از سلاح هسته‌ای از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست صدور رأی مشورتی بنماید. مجمع عمومی سؤال خود را این‌گونه مطرح می‌نماید که "آیا تهیه و کاربرد سلاح هسته‌ای در هر شرایطی بر اساس حقوق بین‌الملل مجاز است؟" دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پاسخ به این درخواست مجمع عمومی بر مبنای بند ۱ ماده ۶۵ اساس‌نامه‌ی دیوان و بند ۱ ماده ۹۶ منشور که اشعار می‌دارد: (مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌تواند درباره‌ی هر مسئله‌ی حقوقی از دیوان بین‌المللی درخواست نظریه مشورتی نماید)، اقدام به بررسی سؤال مطرح‌شده از طرف مجمع می‌نماید. در کشاکش صدور این رأی مشورتی معرکه‌ی آراء سختی درگرفته و الن‌هایه دیوان با هفت رأی برابر و با نظر قاطع رئیس دیوان تصمیم می‌گیرد: «تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای عموماً مغایر با حقوق بین‌الملل قابل اعمال در؛ درگیری‌های مسلحانه به ویژه اصول و قوائد حقوق بشر دوستانه است. با این حال دیوان نمی‌تواند در پرتو وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل و عناصر عینی در اختیار خود به صورت قطع و یقین نتیجه بگیرد که تهدید و توسل به سلاح هسته‌ای در شرایط حاد دفاع مشروع که بقای یک کشور در معرض خطر است استفاده از سلاح هسته‌ای قانونی است یا غیر قانونی.» دیوان با توجه به اینکه: «نه در حقوق بین‌الملل عرفی و نه در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای هیچ‌گونه ممنوعیت جامع و جهانی در تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد» در رأی خود ممنوعیت جامع استفاده از سلاح هسته‌ای را احراز نکرد و به همین میزان بسنده کرد که: تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای باید با رعایت ضوابط حقوق بین‌الملل قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه سازگار باشد. به ویژه اصول حقوق بشر دوستانه و نیز تعهدات خاص مقرر در معاهدات و سایر الزاماتی که صریحاً به سلاح هسته‌ای مربوط می‌شود.

دیوان از دغدغه‌های جامع بین‌المللی به این درک از وجدان عمومی بین‌المللی می‌رسد که تعهدی در خصوص تعقیب توأم با حسن نیت و منتهی به نتیجه رساندن مذاکرات راجع به خلع سلاح هسته‌ای در کلیه جهات آن تحت نظارت دقیق و مؤثر بین‌المللی وجود دارد.

۱-۱) حقوق قابل اعمال در خصوص استفاده از سلاح هسته‌ای:

دیوان برای دست یافتن به پاسخ سؤال خود اذعان می‌نماید که: مرتبط‌ترین حقوق قابل اعمال در مسئله‌ی ارجاع شده:

۱- حقوق موارد مجاز توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد ۲- حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه که نحوه مخاصمات را تنظیم می‌کند. ۳- به همراه هر معاهده خاص مربوط به سلاح‌های هسته‌ای که دیوان ممکن است آن‌ها را مرتبط احراز نماید. دیوان در بررسی قواعد منشور در رابطه توسل به زور با دو استثناء به موضوع نگاه می‌کند. یکی حق دفاع شروع و دیگری اقدامات شورای امنیت بر طبق فصل هفتم برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی. دیوان بیان می‌دارد:

«این مقررات هرگونه توسل به زور را بدون توجه به نوع سلاح که به کار می‌رود قابل اعمال می‌داند و اختصاص به نوع خاصی از سلاح ندارد.»

دیوان در رأی خود با اشاره به اصول حقوق بشردوستانه اشاره خاص به: ۱- اصل تفکیک نظامیان از غیرنظامیان، ۲- اصل ممنوعیت درد و رنج بیهوده برای رزمندگان و ۳- سایر اصول حقوق بشردوستانه و شرط مارتنس اشاره می‌کند و این اصول را منافی با استفاده از سلاح هسته‌ای تشخیص نمی‌دهد.

آنچه ذکر شد خلاص‌های از رأی مشورتی دیوان در خصوص سؤال مطروحه از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. این رأی جنجالی دیوان بارها مورد نقد قرار گرفته است. (IcJ Rep 1996 p 537 para 36).

بسیاری از علمای حقوق بین‌الملل این اعتقاد حقوقی را دنبال می‌کنند که موضوع تحلیلی ناقص از وجود سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل است. قواعد حقوقی که دیوان در این قضیه قابل اعمال دانست از این قرار بود:

۱- مقررات منشور در خصوص تهدید یا توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد ۲- اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه که بخشی از حقوق قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی را تشکیل می‌دهد. ۳- هرگونه معاهده خاص مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای (IcJ Rep 1996 p 537 para 36).

از نقطه نظر ابتدایی قصد بر آن است تا حقوق قابل اعمال و مورد تأیید دیوان را مورد مطالعه قرار داد و در پایان نتیجه استخراج شده توسط دیوان را با نتیجه استخراج شده در این نوشتار تطبیق می‌دهیم.

در این جستار در مقدمه بر اساس حقوق بشردوستانه موضوع را بررسی نموده و در ادامه

از منظر آموزه‌های اسلامی موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا لازم است قبل از ورود به بحث ابتدا نگاهی اجمالی به ماهیت سلاح هسته‌ای داشته باشیم.

۲-۱) سلاح شناسی جنگ‌افزارهای هسته‌ای:

جنگ‌افزارهای هسته‌ای گروهی از سلاح‌های کشتار جمعی هستند که ۳ خصوصیت عمده را در خود دارند:

۱- قدرت تخریب و صدمه فوق‌العاده: به طوری که این جنگ‌افزارها قابل‌مقایسه با سایر تسلیحات نمی‌باشند؛ و به راحتی قابلیت تخریب هکتارها از وسعت شهرها و کشورها را دارند. عمق فاجعه زمانی روی می‌نمایاند که بدانیم با میزان سلاح‌های هسته‌ای موجود در جهان می‌توان نزدیک ۵۰ بار زمین را تا نابودی کامل از بین برد.

۲- حجم تلفات و پیامدها: کاربرد سلاح‌های هسته‌ای این ره آورد را به تعقیب می‌کند که می‌تواند به راحتی در زمانی کوتاه صدها هزار نفر را قتل‌عام کرده علاوه بر این به هیچ عنوان امکان محدودیت این سلاح‌ها نه در بستر زمان و مکان و نه از لحاظ زیست‌محیطی برای ما در این زمان امکان‌پذیر نیست.

۳- عدم امکان کنترل و دفاع مؤثر: از آنچه در فوق ذکر شد به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که در صورتی که چنین جنگ‌افزاری اعمال شود کنترل بعد از فاجعه و مبارزه دفاعی با آن به هیچ صورت امکان‌پذیر نمی‌باشد. شاید برای آشنایی با این جنگ‌افزار مطالعه تاریخ داستان حمله ایالات متحده آمریکا به هیروشیما و ناکازاکی به جد سودمند باشد.

۲-۲) حقوق بشردوستانه:

دیوان تردیدی ندارد که به رغم اینکه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه قبل از به وجود آمدن سلاح‌های هسته‌ای در مخاصمات مسلحانه‌ای بین‌المللی قابل‌اعمال بوده‌اند در حقوق سلاح‌های هسته‌ای نیز قابلیت کاربرد وجود دارد. (Peter H. F. Becker. 1996.p234) در اینجا بایستی عنوان کرد که دیوان اشعار می‌دارد: در هر مورد که توسل به زور ممنوع باشد تهدید به توسل به زور نیز ممنوع می‌باشد لذا بایستی عنایت داشت در هر جا سخن از اعمال زور و توسل به مخاصمه به میان می‌آید در صورتی که حکم به عدم مشروعیت

آن شود در همان حوزه تهدید به توسل زور نیز نامشروع است. لذا با عنایت به این مقدمه اصول حقوق بشردوستانه قابل اعمال در قضیه مطروحه بررسی می‌گردد:

۱-۲) نامحدود نبودن اختیار دولتی در به‌کارگیری ابزارها و فنون جنگی:

یکی از اصول بنیادین در حقوق بشردوستانه که در حوزه حقوق معاهداتی نیز وارد شده است اصل نامحدود نبودن اختیار دولت‌ها در استفاده از ابزارهای جنگی است. دولت‌ها نمی‌توانند از هر سلاح با نتیجه کور در روابط مخاصمانه خود بهره ببرند. تنها هدف مشروع مخاصمات مسلحانه توقف توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمنده از حالت جنگ و توان ادامه کارزار است؛ بنابراین حداقل اعمال خشونت به منظور نیل به این هدف کافی است. (رفیعی، ۱۳۷۸: ۳۴)

دیوان با عنایت به اصل فوق در حقوق بشردوستانه این موضوع را منافی با استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط حاد نمی‌داند. حال آنکه وضعیت خاص سلاح‌های هسته‌ای به ویژه قابلیت تخریب، قابلیت آن‌ها در ایجاد صدمات ناگفته انسانی و قابلیت آن‌ها در ایجاد صدمه به نسل‌های آینده (Icj Rep 1996 p 5 para 36_36) را به هیچ عنوان نمی‌توان با اصل فوق سازگار قلمداد کرد زیرا ماهیت این اصل حداقل‌هایی را به دنبال دارد که پیامدهای کور سلاح هسته‌ای به هیچ عنوان نمی‌تواند این حداقل‌ها را میسر نماید و ثانیاً آنکه هدف اصل از آغاز محدودیت و تعدیل کاربرد سلاح و ابزار جنگی بوده است. (راجرز و مالرب، ۱۳۸۲: ۱۶۵) که در بحث کاربرد سلاح هسته‌ای به هیچ عنوان نمی‌توان محدودیتی را مشاهده نمود. رجوع به ماهیت سلاح‌های هسته‌ای و سابقه فاجعه آمیز بشری آن در قضیه هیروشیما و ناکازاکی نمونه و مصداقی است تا نشان دهد در این راستا هیچ محدودیتی قابل تصور نمی‌باشد.

در زمانی که حقوق بشردوستانه در خصوص مخاصمات مسلحانه پدید آمد فنون و ابزار جنگی غالباً تنها می‌توانست در محدوده‌ی زمانی و مکانی مورد کاربرد و موجبات تخریب را فراهم آورد. در آن زمان کشورها در پی محدودیت برای سلاح‌های موجود در آن زمان بوده‌اند! دیوان خود از این شرط به خوبی آگاه است تا جایی که قاضی بجاوی رئیس، در نظر خود تصریح می‌کند: «همین ماهیت این سلاح کور، این شیطان ابدی، حقوق بشردوستانه را که حقوق حاکم بر شیطان کوچک [یعنی جنگ] است بی‌ثبات کرده است از این رو وجود سلاح هسته‌ای چالشی برای وجود حقوق بشردوستانه است (Icj Rep 1996 p 10). حال باید دید آیا می‌توان برای چنین ماهیتی محدودیتی متصور شد؟ پاسخ با توجه به وضعیت حاضر سلاح‌های هسته‌ای در نسل‌های مختلف آن منفی می‌باشد علاوه بر آنکه آثار و پیامد آن نه تنها در زمان استفاده بلکه در بلندمدت نیز برای محیط‌زیست که

در پرتو آن ابتدایی‌ترین حق بشر یعنی حیات شکل می‌گیرد و نیز مورد تهدید بالفعل قرار می‌دهد. وجود همین تهدید است که بارها کشورها را به اذعان به این خطر واداشته است در اسناد بین‌المللی به خوبی بازتاب داشته است. دیوان از همین مشاهده تعهد عمومی برای گفتگوی با حسن نیت را احراز کرد.

قاضی فراری براوو نیز بیان می‌کند: «ابراز تأسف مینماید که دیوان بایستی قطع نامه مجمع را که جنبه ی بنیادین دارد و به روشنی وجود التزامی محض را برای امحای کلیه انواع سلاح های هسته ای به همراه دارد را مد نظر قرار می داد.» (14-Icj Rep 1996 p13). آنچه می‌توان به صورت کلی در خصوص تعارض اصل محدودیت به‌کارگیری را ابزار و فنون جنگی و استدلال دیوان گفت این است که: این اصل در مقام تعارض مطلق با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است برداشت دیوان از این تعارض به عنوان یک تراحم را نمی‌توان حاوی روح و مبنای اسناد و استدلالات بین‌المللی دانست. دکترین حقوقی بین‌المللی موجود نیز در فرصت‌های مختلف به نقد این تعارض پرداخته است. (ساعد، ۱۳۸۸: ۹۱) جالب آنکه دولت بریتانیا در قضیه‌ی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای بیان داشت:

(هر قدر که سلاح به لحاظ نظامی از کارایی بیشتری برخوردار باشد کمتر احتمال دارد که رنج و درد زائد به بار آورد اگر کاربرد چنین سلاحی نتایج نظامی بزرگی را تضمین کند محلی برای منع آن در حقوق بین‌الملل وجود ندارد حتی اگر مصائب غیرانسانی آن وحشتناک باشد.) (ساعد، ۱۳۸۸: ۹۱).

ناگفته پیداست نظر فوق بسیار عجیب غیر حقوقی و سیاسی به نظر می‌رسد زیرا چنین تفکری را در دنیای سیاست و زیاده‌خواهی برخی دول نمی‌توان دستمایه هلاک بشریت قرار داد. برخی از نویسندگان بر این استدلال‌اند که عدم ذکر ممنوعیت مطلق از نظر دیوان مبتنی بر اصل اقدامات تلافی‌جویانه است. (Stefan Leter 2001.p367) حال آنکه اعمال تلافی‌جویانه که گاه نیز به صورت مخاصمات می‌تواند شکل گیرد باید با رعایت حقوق حاکم بر همین مخاصمات باشد و اصول حقوق بشردوستانه خود حاکم بر تمام مخاصمات است پس این استدلال از حیث محل کاربرد قواعد ناقص به نظر می‌رسد آنچه می‌توان به صورت کلی در خصوص تعارض اصل محدودیت به‌کارگیری ابزار و فنون جنگی و استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مذکور گفت این است که این اصل در حقوق بشردوستانه در مقام تعارض مطلق با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است و برداشت دیوان بین‌الملل دادگستری از این تعارض به عنوان یک تراحم را نمی‌توان از نقد مصون انگاشت؛ زیرا در هر حالتی بپذیریم که استفاده از سلاح هسته‌ای مشروع است بشریت را مورد تهدید ابدی قرار داده‌ایم.

۲-۲) اصل ضرورت و تناسب:

یکی دیگر از اصول حقوق بشردوستانه قابل طرح در این قضیه اصل تناسب و ضرورت اقدامات لازم در مخاصمه برای شکست دشمن است یعنی اینکه طرفین مخاصمه به اندازه‌های مجاز به کاربرد زور علیه طرف مقابل خواهد بود که برای شکست دشمن ضروری است. حال آنچه مطرح است در بیان اول اینکه: مرجع تشخیص ضرورت کیست؟ دوم اینکه: آیا سلاح هسته‌ای با این مفهوم سازگاری دارد؟ در پاسخ به سؤال اول که مرجع تشخیص ضرورت کیست؟ بایستی پاسخ داد که از آنجایی که اصولاً حقوق بین‌الملل یک حقوق حاکمیت محور است. (ساعد، ۱۳۸۸: ۳۳) اراده‌ی فوق‌اراده تابعان آن در کمتر مواردی شناسایی شده است و مؤخر آنکه این اصل در مقام تکلیف مورد نظر برای متنازعی است پس لاجرم این دولت‌ها هستند که مرجع تشخیص یعنی ضرورت در بکارگیری جنگ‌افزار مورد نظر هستند. البته بایستی اذعان نمود با توجه به "هدف" توسل به زور می‌توان موضوع را مورد بررسی حقوقی قرار داد. دولت‌ها آزاد نیستند تا برای یک هدف کوچک از هر گونه ابزاری استفاده نمایند. پس باید گفت هر چند مرجع پاسخ ما دولت‌ها هستند اما بایستی به تعهداتی در غالب حقوق قواعد آمره بین‌المللی و حقوق معاهداتی که در خصوص حقوق بشردوستانه پذیرفته‌اند پایبند باشند (حبیبی، ۱۳۸۹: ۴۸)

در پاسخ سؤال دوم که آیا اصل تناسب با استفاده از سلاح هسته‌ای قابل جمع است؟ بایستی چند مفهوم بدو بررسی شود. "اصل انتخاب و ضرورت" دو مفهوم را با خود به همراه دارد اول تناسب و ضرورت در بعد زمان دوم تناسب و ضرورت استفاده از سلاح در مقابل طرف متنازع پس لاجرم آنچه در غالب ضرورت می‌گنجد تنها ضرورت در زمان مخاصمه مشروع است و آنچه ادوار بعدی بشر را تحت شعاع قرار می‌دهد نامشروع قلمداد می‌شود. بایستی این موضوع را در هر ماهیت بررسی کرد که آیا می‌توان تناسب و ضرورت را با استفاده از سلاحی سازگار کرد که به غیر از طرف مخاصمه در یک زمان ادوار دیگر بشریت را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. تحلیل فوق به جد به مفهوم کاربرد سلاح هسته‌ای در مخاصمات مسلحانه به هر نحو حتی دفاع مشروع نیز لطمه وارد می‌کند. حتی دکتترینی را که «جنگ کوتاه سخت را» بهتر از طولانی شدن آن میدانند و آن را متناسب به رسیدن به هدف می‌دانند تحت نظر فوق خواهد بود زیرا آثار طولانی این جنگ‌افزار برای همیشه دامن‌گیر بشریت خواهد بود. هر چند به صورت صریح در رأی مشورتی دیوان در این قضیه استناد به اصل به صورت واضح مشاهده نمی‌شود اما نظریه قضات دیوان نوبل، هیگنز و گیوم با توجه آثار تبعی سلاح هسته‌ای به بیش از حد بودن آن اشاره شده است. «دشواری

فوق العاده برای سازش دادن کاربرد سلاح هسته ای با اعمال و اصول مذکور قابل مشاهده است.» (op.cit. p 15.16) به این موضوع که اصل تناسب باید توجه به هدف و سلاح مشروع تفسیر شود باید توجه نمود زیرا بایستی در تعارض اصول تا می توان جانب رعایت تمام آن‌ها را فراهم نمود. (Luise Doswald – Beck 1997 pp 35. 55) لاجرم این تفسیر که دولت متخاصم هر نوع تفسیری را مبتنی بر سیاست گزایی محض هدف گزاری نماید. مشروع به نظر نخواهد رسید. پس باید گفت پیامدهای کور سلاح هسته‌ای را عقل توان سازگاری با مفهوم اصل ضرورت و تناسب نمی‌بیند.

۳-۲) اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی:

یکی دیگر از اصولی بنیادین حقوق بشردوستانه اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی است که با هدف حراست از اهداف و اشخاص غیرنظامی پایه‌گذاری شده است. بدون شک این یکی مرتبط‌ترین قانده‌های حقوق بشردوستانه با موضوع تحت رسیدگی دیوان (ساعد، ۱۳۸۸: ۱۳۷) در قضیه مطروحه است این اصل که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ذکر شده است. در فلسفه وجودی خود ۲ مقوله را همراه دارد: ابتدا اینکه در مشخصات مسلحانه هدف نیروهای نظامی است و لذا ایجاد در درد و رنج بیهوده برای اهداف و افراد غیرنظامی غیر سودمند تلقی می‌شود در مرحله‌ی دوم آنکه این اصل مطلق نبوده بلکه در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب کند و اصل تناسب نیز مورد رعایت قرار گیرد می‌توان آن‌ها را هدف قرارداد (رفیعی، ۱۳۷۸: ۴۵ - ۴۶). لازم به ذکر است که اصل فوق تنها در متن معاهده‌ی پروتکل مذکور قید شده است؛ اما ارزش معاهده‌ی آن چندان غنی نیست زیرا بسیاری از دولت‌ها هنوز به آن متعهد نشده‌اند.

اما دیوان بی‌تردید اصل تفکیک را از قواعد عرفی مسلم می‌داند. دیوان پس از بررسی‌های لازم در بندهای ۷۴ تا ۸۷ خود در خصوص قواعد حاکم بر پرسش مطروحه در رأی چنین بیان می‌دارد: دیوان پس از بررسی تحول تاریخی این شاخه از قواعد که در اصل قوانین و عرف‌های جنگی و سپس به عنوان حقوق بشردوستانه شناخته می‌شود؛ و اصل حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی [اصل تفکیک] را قابل اعمال بر پرسش مطروحه می‌داند؛ و حتی فراتر از آن برخی قضات دیوان آن را یک قاعده آمره بین‌المللی دانسته‌اند یا آن را اصلی مطلق خوانده‌اند (84-Icj Rep 1996 p 7 paras 74). « دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف حمله قرار دهند و از این رو هرگز نباید از سلاح‌هایی که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند استفاده کنند. (ساعد،

۱۳۸۸: ۱۴۱) در اصل فوق چند تحلیل را باید بررسی کرد. تفکیک مورد نظر در اصل مطروحه از طرف سلاح هسته‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد بلکه بایستی استفاده‌کنندگان با توجه به دو موضوع را بررسی کنند: اول آثار و پیامدهای استفاده از سلاح و دوم آنکه آیا استفاده از سلاح مذکور اصل تناسب را نیز به همراه دارد یا خیر؟ زیرا عدم تناسب مذکور باعث می‌شود تا به صورت کور اهداف غیرنظامی مورد حمله قرار گیرند. آنچه با توجه به مورد فوق باید لحاظ شود این است که سلاح بر علیه یک هدف نظامی خاص جهت‌گیری شود و آثار آن قابلیت محدودیت داشته باشد. بایستی در پاسخ به تحلیل فوق گفت سلاح‌های هسته‌ای از آنجا که در بعد مکان و زمان تأثیرگذارند و حیات آتی را نیز تحت شعاع خود قرار می‌دهند نباید تنها در زمان به‌کارگیری آن مورد بررسی قرار گیرند بلکه بایستی آثار و پیامدهای آن در بلندمدت را نیز با اصل فوق مد نظر قرار داد. برخی از قضات تصور کرده‌اند که می‌توان تناسب لازم در هدف نظامی خاص را لحاظ کرد. باید گفت: بر فرض بتوان در زمان به‌کارگیری سلاح هدف نظامی را هدف قرارداد اما از آنجایی آثار و پیامدهای آن در بلندمدت بشریت را مورد تهدید قرار می‌دهد. نبایستی تصور کرد که این سلاح با اصل فوق سازگار است. قاضی گیوم: معتقد است حقوق عرفی در خصوص کاربرد سلاح‌ها به صورت کور که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند تنها یک ممنوعیت مطلق است اما نمی‌توان گفت که سلاح‌های هسته‌ای ضرورتاً در این دسته قرار می‌گیرند. (ضیائی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

قاضی شوبل و قاضی هیگینز نیز چنین نظری را انتخاب کرده‌اند. اشتباه فوق در نظر قضات از جایی آغاز می‌شود که هدف خاص نظامی را تنها در زمان کاربری سلاح فوق معیار و ملاک قرار می‌دهند اما در بلندمدت همان هدف خاص می‌تواند تمام زیست‌بوم را مورد هجوم حمله امواج مضر و سایر مضرات این سلاح‌ها قرار دهد؛ و بالاتر از این تحلیل اینکه با توجه به آنچه در قدرت و ماهیت مخرب این سلاح‌ها ذکر شد تصور هدف خاص [حتی با این تحلیل که در زمان به‌کارگیری رعایت شود] نیز به سختی قابل تصور است. حال با توجه به این ماهیت مخرب که مد نظر دیوان نیز بوده است دیوان بر این مبنا اشعار می‌دارد: در پرتو خصوصیات منحصر به فرد سلاح‌های هسته‌ای که دیوان در بالا بدان اشاره کرده است کاربرد این سلاح‌ها در واقع به ندرت به با این ترتیبات آشتی‌پذیر به نظر می‌رسد؛ که وی [دیوان] را قادر سازد نتیجه بگیرد که کاربرد سلاح‌های هسته‌ای ضرورتاً در هر شرایط با اصول و قواعد حقوق قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه ناسازگار خواهد بود. (ICJ.Rep.1996.para 78).

لذا این قسمت از رأی دیوان که اظهار می‌دارد نمی‌تواند ناسازگاری مطلق را پیش‌بینی

کند غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد. همین وضعیت خاص سلاح هسته‌ای و پاسخ به آن شاید یکی از درگیری‌های مطرح در رأی است زیرا برخی از قضات مخالف، برخی به سختی پذیرفته، برخی آن را توجیه زمانی کرده که در بالا به آن پاسخ داده شده است.

(۲۴) اصل منع درد و رنج بیهوده:

این اصل نیز هم در حقوق معاهدات بشردوستانه وارد شده است که اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ و دستورالعمل آکسفورد مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز به این موضوع اشاره دارد. از نظر دیوان این اصل نیز از حقوق عرفی قابل استنتاج است. در شرایط مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی هدف رسیدن به مقاصد برنامه‌ریزی شده طرفین است و تنها آنچه برای رسیدن به این اهداف لازم است مورد نظر تأیید حقوق بشردوستانه است شاید علت وجودی تمامی اصول مذکور عبارت فوق باشد. ایجاد درد و رنج فوق نیاز یکی از اصول حقوق بشردوستانه است که دولت‌ها طرف مخاصمه وظیفه دارند به آن عمل نمایند. در رأی دیوان به اصل ایجاد درد و رنج بیهوده اشاره شده است و بر این اساس استفاده از سلاح‌هایی که موجب چنین صدمه‌های بر آن‌ها می‌شود یا درد و رنج آن‌ها را افزایش می‌دهد ممنوع است و به همین لحاظ دولت‌ها در انتخاب نوع سلاح از آزادی عمل نامحدود برخوردار نیستند. (74 paras " 84-Icj Rep 1996 p 7) دیوان در قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه در قضیه مذکور تردیدی ندارد. تنها از این نظر دو استنتاج می‌نماید: این واقعیت که کاربرد سلاح‌های هسته‌ای تابع و مشمول حقوق مخاصمات مسلحانه است ولی ضرورتاً بدین معنا نیست که چنین کاربردی ممنوع است و دیدگاه دیگر که قائل به ممنوعیت مطلق با توجه به اصل مذکور در فوق نیست و با وجود پیامدهای کورباز امکان رعایت اصول فوق در استفاده از سلاح هسته‌ای ممکن می‌داند. دیوان ال‌هایه تصمیم می‌گیرد که استفاده از سلاح هسته‌ای به ندرت با این قواعد آشتی پذیر است. بدین معنی که در مواردی امکان استفاده وجود دارد. در پاسخ به این استدلال از اصل فوق بایستی گفت که ماهیت خاص سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد مصائب بزرگ انسانی در فرایند این کاربرد و مواد ملموسی که این سلاح‌ها از طرف دولت ایالات متحده آمریکا در هیروشیما و ناکازاکی استفاده شده است نشان داده است به راستی " ایجاد درد و رنج بیهوده " از پیامدهای حتمی صدور استفاده از این ماهیت کور است. (Luise Doswald – Beck.op.cit.p46).

پیامدهای زیست‌محیطی، پیامدهای بلندمدت در بستر زمان برای بشریت، خارج

کردن قسمت‌های عظیم از زیست‌بوم زمین از چرخه استفاده و موج جان‌باختگان این ماجرا و مجروحان باقی‌مانده که نه تنها خود بلکه نسل‌های بعدی را نیز تحت شعاع خود قرار می‌دهند رنجی مضاعف و فاجعه‌آمیز است پس لاجرم به نظر می‌رسد عبارت: به ندرت آشتی‌پذیر در رأی دیوان بهتر است آشتی‌ناپذیر تلقی شود.

در گفتار بعدی در این جستار در پی آنیم که نظر شارع مقدس اسلام را در خصوص موضوع فوق استخراج نماییم. عنایت به نظر اسلام از این حیث بسیار مهم است که در ابتدا رابطه متقابل دین و حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد؛ که یکی از کارکردهای دین پشتیبانی از حقوق بین‌الملل است. (میر محمد عزیزی، ۱۳۸۹: ۴)؛ که فرعی از آن حقوق بشردوستانه است. با روشن شدن نظر اسلام می‌توان حمایت و نقش پشتیبانی آن را تبیین نمود. موجی که در دنیا دین اسلام را مغرضانه به جنگ افروزی متهم می‌کند باید بداند اسلام به اعتراف تاریخ (ویل دورانت، ۱۳۶۸: ۳۳ - ۳۴) در حوزه حقوق بشردوستانه بسیار مترقیانه تر و با پیشین‌های قوی به موضوع پرداخته است. (شیبانی، پیران، ۱۳۸۸: ص ۱۰۸) از دیگر منافع این جستار تبیین موضع اسلام در خصوص فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای می‌باشد تا جامعه بین‌المللی را با این نگاه آشنا نماید. ایران از منظر برخی کشورهای غربی محکوم به فعالیت جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای است. در این میان نباید فراموش کرد که قانون اساسی ایران ماهیت نظرات اسلام و تطبیق قواعد اسلامی با قوانین ملی نیز پیش‌بینی کرده است. (اصل چهارم قانون اساسی) لذا نظر اسلام از حوزه حقوق عمومی خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بسیار حائز اهمیت خواهد بود و این تبیین می‌تواند مبین اندیشه‌ای حقوقی اسلامی کشور ما در این حوزه باشد.

۳- حقوق بشردوستانه اسلامی و سلاح هسته‌ای:

قاضی ویرا مانتری در نظریه مخالف خود که پیوست به رأی مشورتی است اشاره می‌کند که: قواعد بشردوستانه که در آیین‌های اسلام و سنن فرهنگی و ... است را نباید قواعدی جدید برشمرد بلکه ریشه در سنن جهانی و دغدغه‌ی بشریت در تمام زمان‌ها را نشان داده است. لذا نباید در تأثیرگذاری این قواعد تردید کرد. در سیره و عملکرد حکومت رسول خدا (ص) در احادیث رسیده از ایشان چنین وارد شده است که: لشگریان را به تقوای الهی (که خود جامع تر از تمام قواعد حقوق بشر دوستانه است) و رفتار نیک توصیه می‌فرمودند؛ و از خیانت نقض عهد و مثله کردن و قتل کودکان و زنان پرهیز می‌دادند و دعوت به اسلام را مقدمه و پیش از اعلان جنگ لازم می‌دانستند. یا رزمندگان را از تجاوز به زنان باردار و

کودکان و پیران و سوزاندن مزارع و درختان منع می‌کردند. (شیبانی، ۱۳۸۹: ۱۰۸)
از مفاهیم فوق به خوبی می‌توان تمام آنچه تحت عنوان اصل تفکیک، ایجاد درد و رنج بیهوده
ضرورت نظامی و تناسب با اهداف جنگی و اصل رعایت محیط‌زیست را استنتاج نمود.
آنچه جالب و فراتر از حقوق بشردوستانه بین‌المللی است عبارت "رعایت تقوای الهی و رفتار
نیک" است که به صراحت می‌توان آن را ناشی از فلسفه حقوق در اسلام دانست که انسان در
اسلام در حق و تکلیف مشترکی در پیشگاه الهی مسئول است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۸) و
حتی در رفتارهای غیرعادی همچون مخاصمات نیز رعایت اخلاق نیک و تقوای الهی که نوعی
جهان‌بینی مشتمل بر توحید و اخلاق برادری و برابری است را نیز مد نظر قرار می‌دهد.

تمام آنچه دغدغه و باعث ایجاد حقوق بشردوستانه است. (Icj Rep 1996 p 15)
شاید ناشی از همین فطرت است که انسان بدون قائل بودن تکلیف در محضر
الهی بسی سرکش و غیرقابل کنترل است. شاید اگر انسان در حقوق بین‌الملل "
انسان طبیعت "نبود و "انسان مخلوق" قلمداد می‌شد. هیچ‌گاه پاسخ دیوان به پرسش
مطروحه بدین‌سان معرکه آراء نبود! البته از آنکه از نظر اسلام با آنکه جنگ رفتار
غیرعادی است و گاه ضرورت حکم به آن می‌کند نمی‌توان زنجیر اخلاق الهی را
در آن شکست و به هر عملی تا مرز نابودی بشریت برای حفظ خود قدم برداشت.

۳-۱) فلسفه حقوق اسلامی و ایراد به رأی دیوان:

قاضی بجاوی رئیس دیوان از سلاح هسته‌ای تحت عنوان شیطان ابدی یاد می‌کند.
بی‌تردید آنچه باعث می‌شود چنین تعبیری ساخته شود فطرت انسان است. لاجرم بعد
از حق ضلالت، شیطان و گمراهی است؛ که قرآن می‌فرماید «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»
(قرآن کریم، یونس: ۳۲) پس بعد از حق چیزی جز گمراهی نیست، پس در مقابل حق،
شیطان ضلالت و گمراهی است و شیطان به هیچ صورت حق نخواهد بود.

دیوان اذعان می‌کند: قابلیت تخریب، قابلیت آن‌ها [سلاح هسته‌ای] در ایجاد صدمات
ناگفته‌ی انسانی و قابلیت آن‌ها در ایجاد صدمه به نسل‌های آینده را باید مد نظر قرارداد
(74 paras "7 p 1996-84-Icj Rep") این آسیب‌های جبران‌ناپذیر چیزی جز فساد نیست
که ناشی از بغی در مقابل حق است.

«وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (قرآن کریم، مؤمنون: ۷۱) و اگر حق از
هوس‌های آن‌ها پیروی می‌کرد قطعاً آسمان و زمین تباه می‌شد. پس لاجرم در مقابل فساد و
تباهی بایستی حقی باشد که همین حق نقطه‌نظر اسلام در مسئله تهدید و کاربرد سلاح هسته‌ای

است که بایستی آن منع مطلق سلاح هسته‌ای را استخراج نمود زیرا فساد آن پایان‌ناپذیر است. عدل و حق از منظر فلسفه حقوق اسلامی برای خود جایگاهی رفیع دارند چنانچه عدل را شی در موضوع خود گفته‌اند و از سویی عدل را معماری جامعه [هنجارهای حیات اجتماعی] گفتند که سبب تأمین حقوق می‌شود. پس در صورتی که نظام معماری جامعه را موضوعی تهدید نماید ناحق است. نتیجه آنکه از منظر فلسفه حقوق اسلامی ماهیت‌های ناهنجاری همچون سلاح هسته‌ای نامشروع است.

۲-۳) ادله قرآنی:

قرآن که به گواه تمام عالم معتبرترین سند تاریخی بشریت خوانده شده است و در آن احتمال تحریفی داده نشده است. (کینت گریک. ت منصور، ۱۳۸۳: ۱۱۵) مبنای قابل توجهی از ادله‌ی معتبر فقه شیعه را به همراه دارد؛ و " کتاب " یکی از ادله شرعی حجت شناخته‌شده از منظر مسلمانان است. (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۶۲) آموزه‌های قرآن هرچند در زمان وجود سلاح هسته‌ای به ما نرسیده‌اند اما با استفاده از آیات قرآن کریم می‌توان به پاسخ سؤال رسید. قرآن کریم می‌فرماید «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ السَّمَوَاتِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (قرآن کریم، بقره: ۲۹). او (خداوند) کسی است که همه آنچه در زمین وجود دارد برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت و آن‌ها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود و او به هر چیزی داناست. یا در آی‌های دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (قرآن کریم، اعراف: ۱۰) ما تسلط بر زمین را برای شما قراردادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم هرچند کمتر شکرگزاری می‌کنید. یا شاهد مثال دیگر: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (قرآن کریم، جاثیه: ۱۳) او [خداوند] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از جانب خویش مسخر شما ساخته است و در این نشانه مهمی است برای کسانی که می‌اندیشند. در آیات نقل شده از قرآن کریم اشاره به این موضوع می‌کند که تمام خلقت در آسمان‌ها و زمین برای استفاده تمام بشریت واگذار شده است و لذا بشر می‌تواند در آن تصرف نماید. اسلام با هیچ فناوری مبارزه نمی‌کند و آن را تا جایی که برای انسان مفید باشد تأیید می‌نماید. از آیات فوق فقهای اعظام اصل «اباحه» را استخراج نموده‌اند پس اصل را بر آزادی نهاده‌اند تا آنکه منعی عقلی یا نقلی به آن برخورد نماید. پس اسلام فناوری هسته‌ای را برای همه انسان‌ها فاقد ایراد می‌داند؛ اما در خصوص

جنگ‌افزارهای هسته‌ای بایستی گفت که قرآن در آیه شریفه می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (قرآن کریم، بقره: ۲۰۵). در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان و انسان‌ها را نابود می‌کنند [با آنکه می‌دانند] خدا فساد کنندگان را دوست ندارد. در آیه فوق آنچه باعث از بین رفتن بشریت و محیط‌زیست شود را فساد تلقی و از آن نهی نموده است. از محتوای آیه می‌توان تمامی اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه را استخراج نمود. جالب آنکه در میان فقه‌های اسلام در خصوص فساد در زمین این عمل به حکم مبارزه با خدا و نبی (ص) قلمداد شده است. فلذا اسلام با آنچه تهدیدی برای بشریت باشد میان‌های ندارد و حکم عقل سلیم است که سلاح هسته‌ای را دشمن بشریت می‌داند در نظر اسلام و قرآن کریم نیز پذیرفته شده است این سلاح و ساختار آن به کلی از منظر اسلام مردود است. دیوان در رأی خود یکی از عللی را که باعث می‌شود نتواند منع سلاح هسته‌ای را به صورت کلی ذکر نماید «سیاست بازدارندگی» در برخی کشورها ذکر می‌نماید. (Icjj paras 74 " 84-Rep 1996 p 7". برخی کشورها که خود را مصلح و حامی صلاحیت‌های شورای امنیت می‌دانند برای سیاست خود از این موضوع استفاده نموده‌اند. علل بارز تأیید "فسادی بزرگ" و "سلاحی کور" و "شیطانی ابدی" بر سر بشریت را سیاست بازدارندگی قلمداد کرده‌اند. قرآن پاسخی رسا دارد: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (قرآن کریم، بقره: ۱۱)؛ و هنگامی که به آنها می‌گویند در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما فقط در پی اصلاح [ایجاد صلح] هستیم. لذا از نظر اسلام استناد به این عنوان [سیاست بازدارندگی] تردد شده است و مورد پذیرش قرآن کریم و اسلام نمی‌باشد. آنچه در فوق از آیات قرآن ذکر شد نمونه‌ای از شواهدی عام و گسترده نظر اسلام بر مسئله است.

۳-۳) روایات معصومین (ع):

یکی دیگر از ادله معتبر در نزد علمای اسلامی سنت و تقریر و کردار معصوم (ع) است. در احادیث زیادی از رسول خدا استفاده از راه‌هایی همچون ریختن سم در آب که سبب کشتار جمعی می‌شود منع شده است. (کرکی، بی‌تا: ۱۶۸) یا در روایتی به نقل از امام صادق (ع) از امیر مؤمنان علی (ع) استفاده می‌شود که ایشان از آنچه باعث کشتار جمعی در جنگ می‌شد یا حمله به صومعه‌ها و غیرنظامیان منع می‌نمودند. (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۸). این موضوع به راحتی می‌توان ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای را استخراج نمود زیرا آنچه معصوم ممنوع کرده است به قیاس اولویت در سلاح هسته‌ای [تخریب و کشتار جمعی] موجود است. لذا این موضوع در نظر

اندیشمندان اسلامی به هیچ تردیدی سبب ممنوعیت است. (ابواتله، ۱۹۸۳ م: ۱۸۷)

۳-۴) سیره نبوی در استخدام وسایل برای اهداف:

پیامبران الهی با رسالت هدایت انسان‌ها به سوی کمال از سوی درگاه احدیت مأمور به دعوت انسان‌ها به توحید برای رسانیدن انسان به اهداف متعالی بشری بودند. سیره عملکرد این بزرگان جای بسی تأمل و تدبر برای تعمق به خواستگاه الهی ایشان است. در اینجا بر آنیم که سؤال سختی که دیوان بر آن تأمل بسیار کرده است پاسخ دهیم. دیوان عقیده دارد: «نمی‌تواند استناد به حق بنیادین هر کشور برای بقاء و بنابراین حق توسل به دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور را در شرایطی که بقای کشور در معرض خطر است نادیده بگیرد و در جایی که دفاع از خود در معرض خطر است نتیجه گیری قاطع بنماید». دیوان با طرح مسئله‌ی حق دفاع مشروع که خود از استثنائات توسل به زور در حوزه‌ی جامعه بین‌المللی است. به این نتیجه می‌رسد که در شرایط حاد دفاع مشروع دولت‌ها می‌تواند برای حفظ بقای خود اقدام به کاربرد سلاح هسته‌ای بنماید! دفاع مشروع را که برخی از مسائل حقوق فطری قلمداد کرده‌اند از جمله مسائلی است که از حقوق ملی به حقوق بین‌المللی راه یافته است و مفهومی گسترده به خود در حوزه بین‌المللی اختصاص داده است. دیوان از شرایط حاد برای استفاده این حق در این موضوع نامبرده است. حق دفاع مشروع در حقوقی ملی با شرایط بسیار زیادی همراه است؛ اما حال آنکه آیا می‌توان در این موضوع، بشریت و آینده را فدای حق دفاع مشروع کرد بحثی دیگر است. به موضوع ابتدا بازمی‌گردیم، وسایل و اهداف!

یکی از مسائلی که باید از سیره رسول‌الله (ص) و یا سایر ائمه (ع) آموخت کیفیت استخدام وسیله است. انسان اولاً باید در اهداف خودش یعنی مقاصدش، هدفش مقدس، عالی و الهی باشد ثانیاً باید در استخدام وسیله برای همان هدف‌ها هم واقعاً وسیله عالی و الهی [مشروع] باشد. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۴۸) پس در مرحله‌ی بعد از هدف که بایستی مشروع باشد وسایلی نیز که انسان برای رسیدن به آن هدف هدایت می‌کند بایستی مشروع باشند. قرآن کریم ابلاغ رسالت را تمام مبادی رفتار پیامبران می‌داند؛ و بر اساس همین رسالت، پیامبران حکومت‌داری می‌کنند، رابطه با سایر ملل برقرار می‌کنند و خلاصه آنکه تمام رفتار این سفیران الهی مبتنی بر همین "رسالت" است. قرآن کریم در این خصوص چنین می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (قرآن کریم، نمل: ۱۲۵). به راه پروردگارت با حکمت [دلایل عقلی و مشروع] و اندرز نیکو دعوت کن و با بهترین روش با آنان به بحث و مجادله بپرداز. پیامبران که محل وحی الهی و احیای خواستگاه الهی برای سعادت و تکامل انسان‌ها هستند حق توسل به هر وسیله‌ای

را برای اهداف خود نداشتند و هیچ‌گاه برای رسیدن به هدف مشروع متوسل به وسایل نامشروع نمی‌شدند. پس از نظر اسلام هیچ‌گاه نمی‌توان از وسایلی همچون سلاح هسته‌ای که نامشروع هستند و دشمن بشریت تلقی می‌شوند برای هدف مشروعی چون دفاع مشروع استفاده نمود. اسلام ماهیت‌های نامشروع را مورد شناسایی قرار نمی‌دهد و آثاری بر آن بار نمی‌کند؛ و کسی نمی‌تواند برای رسیدن به اهداف خود باهر هدفی هر عملی را انجام دهد. برخی با استناد به آیه شریفه‌ی: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَسْطَرَعَاتٍ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» که سیاست دفاعی اسلام را نشان می‌دهد. معتقدند که از نقطه‌نظر اسلام می‌توان برای اعمال بازدارندگی به جمع و نگهداری سلاح هسته‌ای اقدام نمود. در پاسخ بایستی گفت آنچه در آیه صراحت دارد جمع‌آوری سلاح و ادوات مطابق با موازین مشروع است و دکتربین اسلام در این خصوص تنها در برگیرنده‌ی وسایل مشروع برای اهداف مشروع است. لذا نمی‌توان به راحتی پذیرفت که اسلام هر ماهیتی را در عملکرد می‌پذیرد.

۳-۵) اجتهاد:

یکی از راه‌هایی که از نظر اسلام دارای حجت است برای کشف نظر و مراد شارع معتبر است اجتهاد است. برخی از اندیشمندان اسلامی آن نیروی محرکه اسلام (لاهوری، بیتا: ۱۶۹)؛ و تطبیق‌دهنده اسلام با عناصر مقتضی در زمان دانسته‌اند. (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۱). این راه متناسب با پاسخ به سؤالات متجددته در بستر زمان است و از ایستایی در بطن دین جلوگیری می‌کند. موضوع کاربرد سلاح هسته‌ای در مخاصمات به صورت صریح از منظر مراجع علمی اسلام پاسخ داده شده است و حکم به حرمت استفاده و عدم جواز نگهداری از سلاح هسته‌ای از نظر مراجع اعلام شده است. تا جایی که برخی از مراجع این نظر را به تمام فرق اسلامی استناد داده‌اند. به راحتی می‌توان با توجه به آنچه در فوق ذکر شد نظر مستخرج شده ایشان را تأیید نمود و این نظر را هدف شارع دانست.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز رابطه دین [خصوصاً اسلام به عنوان آخرین شریعت الهی] با حقوق بین‌الملل بایستی همکاری و تعامل باشد. دین و آموزه‌های دینی چالش‌های فاقد پاسخ در جامعه بین‌المللی را پاسخ می‌دهد. می‌توان بانفوذترین فکری اسلام در سطح بین‌المللی پیام دین را به جان‌های تشنه حقیقت رساند و حوزه فعال اندیشه را به این تعالیم الهی داد. اسلام با فناوری و توسعه هیچ تزاخم و تعارضی ندارد و تنها دغدغه کمال و سعادت بشریت را دنبال می‌کند لذا به راحتی به سلاح هسته‌ای پاسخ منفی می‌دهد و نمی‌گذارد تا بشریت و مواهب الهی محیط‌زیست بازیچه فساد و تباهی شود. اسلام می‌کوشد تا با اندیشه فرا نگری انسان‌ها را به سوی سعادت الهی دعوت نماید. نفس‌الامری بودن امور در اسلام باعث می‌شود تا عدالت حقیقی در معانی حقوقی منتشر شود و عدالت دور از چشم پلید خودخواهی به سعادت انسان کمک کند. سپردن سرنوشت مشترک انسان‌ها بایستی بر منبعی مشترک استوار شود که همانا فطرت است که نوع انسان از آن بهره‌مند است و راز فطرت در دست خالق آن است که معلم تعالیم به بشر است و این تعالیم متعالی تنها راه بشر است به فردایی بهتر به امید روزی که سایه سلاح هسته‌ای از خلقت الهی رخت بر بندد.

۱۳۳

دوفصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

نقد تطبیقی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در خصوص بکارگیری سلاح هسته‌ای
از منظر آموزه‌های اسلام و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی
سید احسان رفیعی علوی و همکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- فارسی:
- قرآن کریم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *حق و تکلیف در اسلام*. قم: نشر اسراء.
- حبیبی، همایون (۱۳۸۹)، *حقوق بین الملل عمومی، استثنائات اصل حاکمیت دولت‌ها*، تهران: «تقریرات درسی دانشگاه علامه طباطبایی».
- راجرز آنتونی و پل مالرب (۱۳۸۲)، *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*. ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رفیعی، سید کمال (۱۳۸۷)، *موازین بین المللی سلاح‌های متعارف*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق بین الملل. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ساعد، نادر (۱۳۸۸)، *حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای*، تهران: انتشارات شهر دانش.
- شیبانی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *سیر شیبانی*، ترجمه حسین پیران، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷)، *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری*، جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۵): «*حقوق مخاصمات مسلحانه و قواعد حقوق بشردوستانه اسلام*». مجله مطالعات حقوقی. شماره ۱۸. ۲۱۹-۲۳۲.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۶)، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵)، *سیری در سیره نبوی*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸)، *اسلام و مقتضیات زمان*. جلد ۲. تهران: نشر صدرا.

- ممتاز، جمشید (۱۳۷۵)، *حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی*، تهران: نشر دادگستر.
- میر محمد عزیزی سید مصطفی (۱۳۸۹)، *اسلام و حقوق بین الملل*. تهران: تقریرات درسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- لاهوری، اقبال. (۱۳۸۰)، *احیای فکر دینی در اسلام*، تهران: مؤسسات انتشارات نگاه.

- منابع عربی:

- خدیجه، ابواتله (۱۹۸۳ م) *اسلام و العقلاات الدولیة فی السلم و الحرب*. القاہرہ: دارالمعارف.
- کرکی (محقق) علی ابن الحسن (۱۹۷۸ م)، *جامع المقاصد*. بیروت: احیا اتراث العربی.

- منابع لاتین:

- Adam Roherts. *Implementation of the laws of war in late 20 th cen-* -
(*tury conflicts*. part I.vo 129. no2 june(1998).
- Judith Gardam. *Humanitarian Law.university of Adelaide perss*. (1999).
- Peter H. F. Becker, *Advisory opinions of the word court on the legality of nudear weapons, no vember* (1996) Asil Insight or www. ASIL. ORG PL
- (Stefan Leter),” *Method and Means of combat*” in the Humani tarianlaw in Armed conflict cp. cit., p.hot(2007).
- *Legality of use or threot ofnuelear wea pons*. Advisory opinion. Icj Rep (1996).
- Luise Doswald – Beck “ *Luternotional humani tarian law and the Adri sory opinion of the international curt of justice on the legality of the threot or of nuclear weapons* – LRRC, no 316,jan – feb(1997).